

Scientific Apartheid as a Crime Against Humanity

Alireza Akbari¹, Babak Pourghahramani², Jamal Beigi³

1. PhD in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

Abstract

In the present era, there have been many competitions in the scientific field between countries, organizations and scientific institutions in the world. Each of them is trying to be a pioneer in the scientific field, however, what is of great importance is not to discriminate in the scientific field and to make all countries of the world have access to modern knowledge. Today, on the one hand, it is not possible to achieve science and knowledge at the same level for all countries, and on the other hand, the amount of benefits of societies from existing science and knowledge is also affected by many factors along with obstacles with political motives, social, cultural, security, etc. sometimes lead to discrimination in the scientific field, such as non-acceptance and publication of articles, access to databases and magazines, sanction of universities and educational centers, refusal of scientific cooperation, etc. have been done for societies and nations. This has become the basis of an apartheid system called "scientific apartheid". In this study, a descriptive-analytical approach was used to assess whether scientific apartheid could be considered a crime against humanity as defined in the Statute of the International Criminal Court (ICC). The results showed that the highest level of instances could be prosecuted under this heading in the ICC, but not every instance could be considered a crime.

Keywords: Crime against Humanity, International Documents, International Criminal Court, Scientific Apartheid, Scientific Discrimination, Scientific Sanction



Article Type:

Original Research

Pages: 3-32

Received: 2024 December 28

Revised: 2025 May 04

Accepted: 2025 June 16



 This is an open access article under the CC BY licens.

* Corresponding Author: pourghahramani@iaui.ir

آپارتاید علمی به مثابه جنایت علیه بشریت

علیرضا اکبری^۱، بابک پورقهرمانی^{۲*}، جمال بیگی^۳

۱. دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۳. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.



چکیده

در عصر حاضر رقابت‌های متعددی در حوزه علمی بین کشورها، سازمان‌ها و مؤسسات علمی در جهان شکل گرفته است. هر یک از آن‌ها تلاش می‌کنند که در عرصه علمی پیشتاز و پیشرو باشند، با این حال آن‌چه که از اهمیت بالایی برخوردار است عدم اعمال تبعیض در حوزه علمی و ایجاد دسترسی همه کشورهای جهان به دانش نوین است. امروزه از یک سو دستیابی به علم و دانش در یک سطح برابر برای همه کشورها میسر نیست و از سوی دیگر، میزان بهره‌مندی جوامع از علم و دانش موجود نیز متأثر از فاکتورهای متعددی است که مجموع این عوامل به همراه موانعی با انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و... در برخی از مواقع منجر به ایجاد تبعیض‌هایی در حوزه علمی مانند عدم پذیرش و چاپ مقاله، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و مجلات، تحریم دانشگاه و مراکز آموزشی، خودداری از همکاری‌های علمی و... برای جوامع و ملت‌ها شده است. این امر زمینه‌ساز یک نظام آپارتایدی با عنوان «آپارتاید علمی» شده است. در پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی امکان‌سنجی شد که آیا آپارتاید علمی می‌تواند منطبق با تعریف جنایت علیه بشریت مندرج در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد یا خیر. نتایج نشان داد مصادیق در اعلی درجه خود می‌توانند تحت این عنوان در دیوان پیگیری شوند، لکن هر مصداقی را نمی‌توان منطبق با جنایت معنونه دانست.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳-۳۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶



واژگان کلیدی: آپارتاید علمی، اسناد بین‌المللی، تبعیض علمی، تحریم علمی، جنایت علیه بشریت،

دیوان کیفری بین‌المللی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

ظهور علم و دانش با خلقت انسان برابری می‌کند. در گذشته مدت زمان زیادی طول می‌کشید تا علم و دانش و ماحصل آن یعنی فناوری میان انسان‌ها و جوامع مختلف مبادله شود. امروزه با ایجاد دهکده جهانی دستیابی به علم و دانش و نیز تلاش به منظور نوآوری‌های علمی بدون مطالعه نوآوری‌های علمی جدید و آخرین ابداعات، علوم و نظریه‌های علمی در هر رشته، ممکن و میسر نخواهد بود. کشورهای مختلف تلاش می‌کنند از طریق گسترش ارتباطات علمی بین‌المللی به توسعه پایدار برسند زیرا توسعه همه‌جانبه و پایدار کشورها وابسته به توسعه علمی است (حیدری عبدی، ۱۳۹۵: ۲). به عبارت دیگر، چشم‌انداز علمی جهان ماحصل یک تعامل پیچیده از همکاری و رقابت است به طوری که در عین حال که کشورها برای تسلط بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند در انتشار دانش در سطح جهانی همکاری و مشارکت نیز دارند (Gao & Mane, Gates.J, ۲۰۲۴).

همکاری‌های علمی بین‌المللی^۱ در قرن بیست و یک افزایش یافته است و کشورهای مختلف برای همکاری‌های بین‌المللی با عنوان جدیدی به نام جهانی شدن علم^۲ مواجه شده‌اند که نوعی تقسیم‌کار بین‌المللی است و براساس آن تعداد معدودی از کشورها در برخی حوزه‌های علمی خاص بیشتر تخصص یافته‌اند و سایر کشورها برای ارتقای خود نیازمند همکاری با کشورهای فوق هستند. شدت و ضعف همکاری‌های علمی کشورهای مختلف با یکدیگر به عوامل مختلفی وابسته است که عوامل سیاسی و اقتصادی بیش از سایر عوامل تعیین‌کننده است (صادقی نژاد و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۰۰). بنابراین این دو عامل می‌توانند نقش مهمی در تسهیل و یا ایجاد محدودیت‌های همکاری‌های علمی بین‌المللی میان کشورهای مختلف ایفا کنند. این در حالی است که در دنیای امروز، علم،

-
1. International Scientific Collaboration
 2. globalization of science

دانش و فناوری به نماد قدرت تبدیل شده است (موسوی زارع و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۳) و یکی از مؤلفه‌های محاسبه و اندازه‌گیری قدرت ملی کشورها محسوب می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۷). اگرچه قدرت ملی هر کشور برگرفته از مؤلفه‌های مختلف هم‌افزا و مرتبط با یکدیگر است اما علم و فناوری جایگاه و نقش برجسته‌تری در میان سایر مؤلفه‌ها دارد، زیرا این مؤلفه علاوه بر کارکرد مستقل خود در تقویت سایر مؤلفه‌های قدرت ملی مانند مؤلفه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی و ... نیز مؤثر است (پیشین: ۳۰). همواره در طول تاریخ زندگی بشر تبعیض‌های ناروا که متأثر از نژاد، قومیت، رنگ پوست، ثروت یا قدرت بوده است گریبان‌گیر او بوده و نظام طبقاتی را به وجود آورده است (خالقی، ۱۴۰۲: ۱۲۴). در قرن حاضر نیز برخی نگرش‌های تبعیضی به عرصه علم و دانش ویژگی فرامرزی بودن آن را با موانع و محدودیت‌هایی رو به رو نموده است. از این رو بسیاری از کشورها، دولت‌ها، سازمان‌ها و مراکز تحقیقاتی بین‌المللی که در سال‌ها یا دهه‌های گذشته رغبت بسیاری در تبادل علم و دانش داشتند، امروزه موانع و محدودیت‌هایی در حوزه تبادل علم و دانش، فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی و حتی محدودیت‌هایی در حوزه تبادل دانشجو، محقق و پژوهشگر اعمال می‌کنند. این کشورها هم به طور یک جانبه با اتخاذ سیاست‌های ملی و هم به صورت چند جانبه و با اعمال نفوذ بر دیگر کشورها و استفاده از نفوذ خود در سازمان‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بین‌المللی چنین محدودیت‌ها و موانعی را برای برخی کشورها ایجاد می‌کنند و به اشکال مختلف اساتید، محققان، دانشجویان و به عبارتی دیگر جامعه علمی یک کشور را از دسترسی به منابع علم و دانش، انتشار و دسترسی به مقاله‌ها و کتب علمی روز دنیا، همکاری‌های علمی، شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها، تحصیل در برخی رشته‌های علمی و ... محروم می‌کنند. اعمال چنین محدودیت‌ها، موانع و تبعیضاتی با عنوان «آپارتاید علمی»^۱ شناخته می‌شود که در محافل دانشگاهی و در سطح عموم

جامعه «تحریم علمی»^۱ نامیده می‌شود.

تا کنون تعریف درست و کاملی از آپارتاید علمی ارائه نشده است و در مقالات مختلف تنها به مصادیقی از آن تحت عنوان تحریم علمی اشاره شده است (اکبری و دیگران، ۲۰۱۳: ۱۴۰۱)؛ (الماسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۸)؛ (۱۳۰: ۲۰۱۴) (Baghianimoghadam) و (۱: ۲۰۱۳) (Zarghami). بر اساس تنها مقاله‌ای با همین عنوان «آپارتاید علمی»^۲ که به مصادیق مختلف آن پرداخته است آپارتاید علمی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دانشمندان و اعضای هیأت علمی، پژوهشگران و دانشجویان یک کشور و به طور کلی حوزه فعالیت‌های علمی یک کشور را از دسترسی و دستیابی به دانش علمی، انتشار و چاپ مقالات در منابع علمی و پژوهشی جهانی و پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی محروم می‌کنند یا مانع انتشار فعالیت‌های علمی یک کشور می‌شوند و یا حتی اقدام به ترور دانشمندان علمی آن کشور می‌کنند (۱: ۲۰۱۲) (Cherghali) و (اکبری و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۴۰۲). لازم به ذکر است این نوع تبعیض و تحریم در حوزه علمی تنها بر کشورهای هدف تأثیر نمی‌گذارد بلکه بر کشور تحریم‌کننده و سایر کشورها نیز آسیب و ضررهای جانبی وارد می‌کند. به عنوان مثال در حوزه پزشکی ممکن است نتایج کارآزمایی‌های بالینی منتشر نشوند و یا اجرای آنها با تأخیر زیاد صورت گیرد (۸: ۲۰۱۹) (Miller-Ziad & Miller.C) و جامعه تحقیقاتی پزشکی جهانی از آن نتایج محروم شوند.

با وجود آثار و پیامدهای منفی که آپارتاید علمی بر رشد و توسعه علم و فناوری در سطح جهان و در سطح کشور هدف دارد تا کنون از منظر حقوقی به عنوان یک معضل و جرم بررسی نشده است. فلذا در این مقاله سعی شده است ابتدا تعریف کامل و جامعی از این واژه ارائه شود و سپس بررسی شود که آیا بر پایه اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان آن را جنایت علیه بشریت دانست به طوری که کشورهای مورد هدف بتوانند در

1. Scientific Sanction

۲. واژه Apartheid Scientific در مقاله‌ای تحت همین عنوان توسط مجید چراغعلی در سال ۲۰۱۲ در مجله Hepatitis Monthly ارائه شده است.

دیوان کیفری این موضوع را پیگیری کنند یا خیر؟

۱- نگاهی بر آپارتاید در حوزه علم، دانش و فناوری

با توجه به اهمیت موضوع و شناخت دقیق آن در این قسمت تعریف غیرحقوقی و حقوقی آپارتاید و در ادامه تعریف آپارتاید علمی و آپارتاید آموزشی ارائه می‌شود.

۱-۱- تعریف غیرحقوقی آپارتاید

در تعریف آپارتاید در دیکشنری کمبریج آمده است: در گذشته در آفریقای جنوبی، سیستمی که بر اساس آن افراد از نژادهای مختلف توسط قانون جدا نگاه داشته می‌شدند و به سفیدپوستان حقوق سیاسی، امتیازات آموزشی و مزایای بیشتری داده می‌شد (Cambridge English Dictionary). واژه آپارتاید^۱ از نظر لغوی یعنی مجزا و جدا نگهداشتن و در اصطلاح به معنی تبعیض نژادی، مذهبی، قومی و جداسازی اجتماعی است که اغلب توسط طیف حاکم نسبت به گروه اقلیت اعمال می‌شود. چنین سیستمی غالباً از طریق جداسازی فیزیکی و سرزمینی نژادها و محروم کردن برخی از نژادها از منافع و خدمات عمومی صورت می‌گیرد (شیخ‌الإسلامی و شیراوند، ۱۳۹۲: ۴۹).

۱-۲- تعریف حقوقی آپارتاید

یکی از اسناد بین‌المللی که آپارتاید در آن تعریف و به عنوان جنایت تبیین شده است «کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید»^۲ است. بر اساس ماده ۱ این کنوانسیون، کشورهای طرف کنوانسیون حاضر بیان می‌کنند آپارتاید جنایتی علیه بشریت است و هر نوع اعمال غیرانسانی با سیاست‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیضی

1. Apartheid

2. International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid(1973)

موجود در ماده ۲ است که اهداف منشور ملل متحد را نقض می‌کنند و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند. در بند دوم همین ماده سازمان‌ها، نهادها و اشخاصی که مرتکب جنایت آپارتاید شوند مجرم شناخته می‌شوند. در ماده ۲ بیان می‌کند واژه «جنایت آپارتاید» سیاست‌ها و رویه‌هایی مشابه جدایی نژادی و تبعیض نژادی آفریقای جنوبی و سایر اعمال غیرانسانی است که با هدف برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌شود و شامل: الف) انکار حق زندگی و حیات یا آزادی شخصی عضو یا اعضای یک گروه نژادی من جمله: ۱- قتل اعضاء. ۲- ایجاد صدمات شدید روحی و جسمی اعضاء از طریق نقض آزادی و یا حیثیت آن‌ها و یا شکنجه دادن آن‌ها، مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز آن‌ها. ۳- بازداشت خودسرانه و حبس غیرقانونی اعضاء. ب) تحمیل تعمدی شرایط زندگی با هدف نابودی تمام یا قسمتی از گروه و یا گروه‌های نژادی. ج) هرگونه اقدامات قانونی و اقدامات محاسبه شده‌ای که هدف آن بازداشت گروه و یا گروه‌هایی از مشارکت در حق حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و ایجاد تعمدی وضعیتی جهت جلوگیری از رشد آن‌ها بالأخص با محروم کردن اعضاء از حقوق بشر و آزادی‌هایی مانند: حق کار، حق تأسیس اتحادیه‌های کارگری، حق آموزش، حق رفتن از وطن و برگشتن به آن، حق تابعیت داشتن، حق آزادی در رفت و آمد یا اقامت، حق آزادی عقاید و بیان، حق آزادی اجتماعات و یا انجمن‌های مسالمت‌آمیز. د) هرگونه اقدامات قانونی که هدف آن تقسیم جمعیت بر اساس مرزهای نژادی با ایجاد جایگاه‌ها و محله‌های جداگانه برای اعضاء، ممنوع کردن ازدواج‌های مختلط در بین اعضاء گروه‌های نژادی مختلف، سلب مالکیت ارضی باشد. ه) استثمار و بهره‌کشی نیروی کار اعضاء گروه‌های نژادی به ویژه با اجبار کردن آن‌ها به کار اجباری. و) آزار و اذیت اشخاص و سازمان‌های مخالف آپارتاید از طریق محروم نمودن آنان از حقوق و آزادی‌های اساسی.

اصطلاح «آپارتاید» هم‌چنین در ماده ۱ «کنوانسیون بین‌المللی ضد آپارتاید در

ورزش^۱ بدین صورت تعریف شده است که «آپارتاید» به یک سیستم سازمان یافته تفکیک نژادی و تبعیض نژادی اطلاق می‌شود که هدف از آن ایجاد و حفظ سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر و سرکوب سیستماتیک آن‌هاست مانند آن چه که در آفریقای جنوبی اعمال می‌شد.

لازم به ذکر است که براساس کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید از میان واژگان آپارتاید، تبعیض و تحریم واژه آپارتاید با تعریف حقوقی خود در این پژوهش انتخاب شده است. اگرچه در این کنوانسیون به صراحت نامی از آپارتاید علمی نیامده است لکن آپارتاید در این کنوانسیون مصادیق حصری نداشته و دامنه‌ی وسیعی از رفتارها را دربرمی‌گیرد. از این رو آپارتاید به عنوان یک جرم در حوزه علم و دانش نیز می‌تواند ذیل آن قرارگیرد.

۳-۱- تعریف آپارتاید علمی

به طور کلی همکاری‌های علمی بین‌المللی در سه سطح زیر تقسیم‌بندی می‌شوند.

الف) همکاری‌های علمی در سطح خرد: فعالان این سطح اعضای هیأت علمی، محققان و دانشجویان هستند که با همتایان بین‌المللی خود همکاری علمی برقرار می‌کنند. این همکاری‌های علمی شامل تألیف مقالات مشترک، مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، مشارکت در رویدادهای بین‌المللی علمی، استفاده از فرصت‌های مطالعاتی، برگزاری دوره‌های آموزشی و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی می‌شوند.

ب) همکاری‌های علمی در سطح میانی: فعالان سطح میانی نهادها هستند که دو دسته فعالان نهادی علمی اعم از دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز تحقیقاتی، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی می‌شوند و فعالان دولتی مانند پارک‌های علم و فناوری می‌شوند.

1. International Convention against Apartheid in Sports (1985)

عمده فعالیت‌های این سطح که ساماندهی همکاری‌های علمی بین‌المللی در سطح نهاد و ساختارهاست عبارتند از: انعقاد تفاهم‌نامه با دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی غیرایرانی، تبادل استاد و محقق، جذب دانشجویان خارجی، برگزاری دوره‌های مشترک آموزشی، اجرای پروژه‌های مشترک علمی و هدایت و ساماندهی فعالیت فعالان سطح خرد.

ج) همکاری‌های علمی در سطح کلان: در سطح کلان نهاد‌های عالی دولتی مانند معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری، وزارتین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری و... قرار دارند که سیاست‌گذاری‌ها، نظارت بر اجرا و ارزیابی آن‌ها را به عهده دارند که این عملکرد تحت عنوان دیپلماسی علم صورت می‌گیرد که به طور همزمان تأثیر متقابل «سیاست خارجی» و «علم و فناوری» و استفاده از ظرفیت‌های هر حوزه جهت تقویت حوزه مقابل را منعکس می‌کنند (پیری، صنیع اجلال و رضانی، ۱۴۰۱: ۵۰۹). بدیهی است همکاری‌های علمی از سطح خرد تا کلان می‌تواند در معرض رفتارهای آپارتایدی و تبعیض‌آمیز قرار گیرند.

از سوی دیگر نهاد دانشگاه سه کارکرد اصلی آموزش، پژوهش و خدمات دارد. هدف از آموزش؛ تحول دانشجویان با توسعه دانش و شناخت مسائل محیط، توسعه آموزش‌های عمومی و مهارت‌آموزی جهت کسب مشاغل و حرفه‌های خاص در جامعه است. دوره‌های آموزشی مشترک بین‌المللی، ارتقاء و توانمندسازی اساتید و دانشجویان، تبادل و جذب اساتید و دانشجویان بین‌المللی و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، سخنرانی‌ها و سمینارهای داخلی و خارجی بین‌المللی، منابع درسی جدید بین‌المللی، گسترش آموزش مجازی بین‌المللی در دانشگاه‌ها و تشکیل مدارس بین‌المللی در تعطیلات دانشگاه‌ها برخی از مقوله‌های فرعی آموزش در دانشگاه‌ها هستند. در بخش پژوهش اهتمام دانشگاه در حفظ، کشف، تفسیر و توسعه دانش و پاسخگویی به مسائل فلسفی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. مقوله‌های فرعی مختلفی مانند توسعه

پروژه‌های پژوهشی مشترک بین‌المللی، نشریات دارای نمایه‌های استنادی بین‌المللی، اعتبارات پژوهشی (گرت‌ها)، مشارکت متقابل در کنفرانس‌های داخلی و خارجی، جوایز بین‌المللی دانشگاه‌ها، تبادل محققان و دانشجویان پسادکتری داخلی و خارجی، دستیار پژوهشی، تأسیس مراکز تحقیقاتی بین‌المللی و در حوزه خدمات مقوله‌های فرعی مانند رهبری و مدیریت بین‌المللی در دانشگاه‌ها، ارتقاء کیفیت کارکرد دانشگاه بر اساس استانداردهای بین‌المللی، افزایش و توسعه دادن ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی در دانشگاه‌ها، عضویت فعال در انجمن‌های علمی مختلف بین‌المللی، به عضویت درآمدن در پایگاه‌های علمی بین‌المللی، همکاری علمی و پژوهشی با اساتید ایرانی ساکن خارج از کشور، توسعه اختراعات، کارآفرینی و شرکت‌های کارآفرین بین‌المللی، توسعه فعالیت‌های دفاتر همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها بخشی از کارکردهای خدماتی دانشگاه‌هاست (موسوی امیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۰). آپارتاید علاوه بر این که می‌تواند در هر سه سطح همکاری‌های علمی بین‌المللی و فعالان آن‌ها اعمال شود می‌تواند در سطح دانشگاه‌ها نیز در سه کارکرد مختلف آن یعنی آموزش، پژوهش و خدمات نیز قابلیت اجرا دارد.

بنابراین تعریفی جامع از آپارتاید علمی که بتواند تمام ابعاد مختلف همکاری‌های بین‌المللی و کارکردهای دانشگاهی را دربرگیرد بدین صورت خواهد بود: «آپارتاید علمی امتناعی نظام‌یافته از سوی نهادها یا دولت‌ها علیه جامعه علمی یک کشور است که می‌تواند در سه سطح همکاری‌های علمی خرد، میانی و کلان و به طور ویژه در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی در هر سه کارکرد آموزشی، پژوهشی و خدماتی آن‌ها اعمال شود به طوری که اعمال آن موجب کاهش و یا توقف مسیر رشد حرکت جامعه علمی و فناوری آن کشور شود.»

۴-۱- رابطه آپارتاید علمی و آپارتاید آموزشی

استاد، دانشجوی و نظام آموزشی سه رکن اصلی مؤثر در کیفیت آموزش عالی هستند

که به یکدیگر وابسته هستند و از کل جامعه جدا نیستند (مدهوشی و نیازی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). با توجه به کارکردهای دانشگاه در سه بخش آموزش، پژوهش و خدمات باید گفت اگر آپارتاید تنها در حوزه آموزشی و کارکرد اصلی دانشگاه که آموزش است صورت گیرد می توان آن را به طور خاص «آپارتاید آموزشی»^۱ در نظر گرفت.

در این تعریف آموزش معادل همان Education در اسناد بین المللی انتخاب شده است. از این رو آپارتاید آموزشی زیرمجموعه آپارتاید علمی محسوب می شود. زیرا همکاری های علمی در سطح خرد بیشترین نمود همکاری و روابط علمی را به خود اختصاص می دهند. سطح خرد فعالان حوزه علمی شامل اعضای هیأت علمی، محققان و دانشجویان است که با همتایان بین المللی خود همکاری های علمی اعم از تألیف مقالات مشترک، مشارکت در پروژه های تحقیقاتی مشترک، مشارکت در رویدادهای آموزشی بین المللی، استفاده از فرصت های مطالعاتی، برگزاری دوره های آموزشی و همکاری با سازمان های بین المللی برقرار می کنند. بنابراین آپارتاید آموزشی شامل مصادیقی مانند همکاری های علمی بین المللی در پروژه های مشترک تحقیقاتی، تحریم مجلات برای نمایه شدن، ترور و بازداشت دانشمندان و اساتید و .. نمی شود. به عبارت دیگر آپارتاید آموزشی در سطح خرد همکاری های علمی بین المللی صورت می گیرد و فعالیت های علمی اعضای هیأت علمی، محققان و دانشجویان را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می دهد که شامل ممانعت استفاده از فرصت های مطالعاتی، ادامه تحصیل دانشجویان در دانشگاه های خارج از کشور، شرکت در کنفرانس ها و همایش های بین المللی و ... می شود. به طور کلی هر نوع اعمال محدودیت و رفتار تبعیض آمیزی که در حوزه آموزش و در ارتباط با عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی، محققان و دانشجویان صورت گیرد آپارتاید آموزشی نامیده می شود.

لازم به ذکر است که با توجه به این که از یک سو کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش

1. Educational Apartheid

از اصطلاح تبعیض استفاده کرده است و در تعریف آپارتاید در کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید از تبعیض نیز استفاده شده است و از سوی دیگر تحریم اصطلاحی مصطلح در ادبیات مقالات مرتبط با موضوع است، اصطلاح آپارتاید علمی شامل اصطلاحات تبعیض، تحریم و آپارتاید آموزشی نیز می‌شود. فلذا آپارتاید علمی و اصطلاحات مذکور رابطه عموم و خصوص مطلق دارند و در این پژوهش آپارتاید علمی شامل همه آن‌ها می‌شود.

۲- آپارتاید علمی در چهارچوب اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی^۱ بر اساس ماده ۱ اساس‌نامه خود صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جرایم جنایت علیه بشریت،^۲ جنایت نسل‌زدایی،^۳ جنایت جنگی^۴ و جنایت تجاوز ارضی یا سرزمینی را دارد. این جرایم همان جرایمی است که در دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (۱۹۹۴) و یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) نیز تعیین شده بودند. جرم تجاوز ارضی تا به امروز مسکوت مانده و به آن پرداخته نشده است (بیگلری، ۱۳۹۶: ۶) بنابراین در حال حاضر تنها سه مورد نخست در این دیوان قابل محاکمه و پیگیری هستند.

۲-۱- اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی و نقش تفسیر جنایت علیه بشریت

در آپارتاید علمی

بر اساس بند ۱ ماده ۷ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت علیه بشریت حمله‌ای است گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی^۵ که با علم به آن

1. International Criminal Court (ICC)
2. Crime against Humanity
3. Crime of Genocide
4. War Crimes
5. Any civilian population

ارتکاب می‌یابد و شامل مواردی از جمله قتل عمد، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل است، تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی از افراد به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص، آپارتاید یا تبعیض نژادی و سایر اعمال غیرانسانی که به طور عمد با هدف ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد (امانی بابادی، ۱۳۹۹: ۳۲۷۴)؛ (دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۲: ۴۱).

در این تعریف گستردگی حمله ناظر بر جنبه کمی و سازمان‌یافتگی حمله ناظر بر جنبه کیفی حمله است (پیشین: ۳۲۷۵). به عبارت دیگر گستردگی حمله یعنی حمله باید به طور گسترده و وسیع علیه عده زیادی از جمعیت غیرنظامی صورت گیرد. اقدامات پراکنده حمله گسترده نیستند و سازمان‌یافتگی حمله باید بر اساس یک برنامه تنظیم شده و با هدف خاصی صورت گیرد (همان). این دو واژه با حرف «یا» (or) در کنار یکدیگر آمده‌اند (پیشین: ۳۲۷۵). بنابراین وجود یکی از دو معیار گستردگی حمله یا سازمان‌یافتگی حمله کافی است. اما علم به حمله لازم و ضروری است (همان: ۴۳). بر اساس ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ وجود افراد منزوی در بین جمعیت غیرنظامی به ویژگی غیرنظامی بودن جمعیت آسیبی وارد نمی‌کند و بر اساس ماده ۵۰ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ جمعیت غیرنظامی همه مردم غیرنظامی هستند که غیرنظامی هر شخصی می‌تواند باشد که به عضویت یک نیروی سازمان‌یافته که از قدرت استفاده می‌کند درنیامده باشند (پیشین: ۳۲۷۵).

در دنیای امروز منابع انسانی یکی از عناصر مهم، حیاتی و بنیادین توسعه جوامع و اقتصاد محسوب می‌شود (میراحمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۹). کارآمدترین عنصر ژئوپلیتیکی هر کشور نیروی انسانی ماهر، متخصص و مغزهای متفکر آن است که شامل دانشمندان، مخترعان، مبتکران، تکنیسین‌ها، مهندسان، جراحان، پزشکان و سایر افراد با سطح دانش بالا می‌شود. نیروی انسانی متخصص و مولد مهم‌ترین سرمایه

مادی و معنوی یک کشور محسوب می‌شود (موسوی زارع و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۵). نیروی انسانی کارآمد موتور توسعه پایدار هر جامعه محسوب می‌شود و وظیفه نظام آموزش عالی است که نیروی انسانی متخصص و متعهد تربیت کند تا نیازهای گوناگون جامعه مرتفع شوند (تابعی و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۰). هیأت علمی و اساتید از عوامل اصلی ساختار آموزش عالی کشور و ارزشمندترین و اساسی‌ترین منابع انسانی محسوب می‌شوند (اهدایی و مصطفوی‌نژاد، ۱۳۹۵) و کیفیت آن‌ها تأثیر مستقیم بر عملکرد نظام آموزش عالی کشور دارد (شیربگی و غلامی، ۱۳۹۷: ۷۳). یکی از راهکارهای افزایش توسعه حرفه‌ای اساتید و هیأت علمی تعاملات آن‌هاست که شامل روابط گروهی، همکاری‌ها و تعاملات اجتماعی و یا علمی-پژوهشی آن‌ها درون و بیرون محل کار، همکاری‌های پژوهشی، عضویت و مشارکت در انجمن‌های علمی (نظرزاده زارع، ۱۳۹۷: ۱۸۳) و فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور است که راهی است برای تولید و تبادل علم و دانش در سراسر جهان که می‌تواند منجر به ارتقاء رتبه و سطح علمی دانشگاه نیز شود (پیشین). این در حالی است که اساتید و هیأت علمی در کشورهایی که آپارتاید علمی علیه آنها اعمال می‌شود با محدودیت‌های حرفه‌ای مواجه هستند. این نوع برخورد با اساتید و هیأت علمی علاوه بر اینکه باعث آزار جسمی و روحی آن‌ها می‌شود بر اساس قوانین بین‌المللی خلاف حقوق ذاتی و طبیعی آنها یعنی حق آزادی و حق آموزش است. با توجه به اینکه نیروی انسانی اصلی حوزه علم و دانش اساتید و دانشجویان در دانشگاه‌ها هستند که فعالیت آن‌ها در نهایت باعث توسعه پایدار جامعه می‌شود مشخص می‌شود که آپارتاید علمی و آموزشی یک کشور جمعیت غیرنظامی را مورد هدف قرار می‌دهد که بیشترین نقش اثرگذار را در توسعه، رشد و پیشرفت جامعه دارد. بنابراین جنایت علیه آن‌ها به مراتب سخت‌تر و شدیدتر از سایر گروه‌هایی است که نقش کمتری در توسعه و پیشرفت جامعه و بشریت دارند.

حمله دلالت بر شکل مثبت یعنی فعل مجرمانه و شکل منفی یعنی ترک فعل می‌کند. به عبارت دیگر حمله جنایت علیه بشریت یک نوع خط‌مشی رفتاری است

که لزوماً همیشه نظامی نیست (امانی بابادی، ۱۳۹۹: ۳۲۷۴). به طور کلی، آن چه که درباره جمعیت غیرنظامی جامعه علمی برخی کشورها صورت می‌گیرد چنان گسترده است و شامل اشکال مثبت و منفی حمله است که می‌توان گفت گستردگی از نظر زمانی و تنوع مصادیق دارد. به عنوان مثال جامعه علمی ایران در طی سال‌های مختلف به طور مستقیم و غیرمستقیم (آثار ناشی از تحریم‌های بانکی، اقتصادی و...) مورد تبعیض مصادیق مختلف آپارتاید علمی و آموزشی قرار گرفته است. تنها در یک بازه حدوداً ده ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ شش تن از اعضای فرهیخته جامعه علمی در حوزه هسته‌ای ترور شدند (صالحی و لسمانی فرهمند، ۱۴۰۰: ۴۰۹). دستگیری و بازداشت تعدادی از دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف در سال ۲۰۰۶ برای شرکت در گردهمایی دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف در کالیفرنیا (الماسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸)، تحریم دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صنعتی شریف به دلیل پژوهش در فعالیت‌های هسته‌ای در سال ۲۰۱۱ توسط ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۹، universityworldnews) و هم‌چنین تحریم دانشگاه بقیه‌الله، دانشگاه امام حسین و دانشگاه مالک اشتر (۲۰۲۴، edu.caltech.researchcompliance)، تحریم نویسندگان ایرانی صرفاً به جرم ایرانی بودن و رد مقالات آنها در مجلات علمی خارجی (Adam, ۲۰۱۹)، عدم پذیرش و چاپ مقالات و تولیدات علمی (۱۳۰: ۲۰۱۴، Baghianimoghadam)، رد مقالات ایرانی بدون بررسی آن‌ها در پی اجرای سیاست‌های اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا در سال ۲۰۱۳ (۳۱۰: ۲۰۱۳، Habibzadeh)، خودداری همکاری دانشمندان و شهروندان آمریکایی با افراد و نهادهای ایرانی (۳۶: ۲۰۱۹، Miller-Ziad and Miller)، مشکلات برقراری روابط پزشکان و متخصصان ایرانی مهاجرت‌کرده به آمریکا با خانواده‌هایشان (۵: ۲۰۱۹، Miller-Ziad & Miller.C)، ممانعت از تعاملات اعضای هیأت علمی از قبیل فرصت‌های مطالعاتی، شرکت در سمینارها، کنفرانس‌های بین‌المللی و انجام پروژه‌های تحقیقاتی (نظرزاده زارع، ۱۳۹۷: ۱۹۲) و ... بخشی از مصادیق مختلف آپارتاید علمی است

که نشان از گستردگی زمانی و تنوع از نظر مصداقی آن دارد.

در بند ۱ ماده ۷ اساس نامه دیوان مصادیق جنایت علیه بشریت بیان شده‌اند. در قسمت اول به جنایت علیه تمامیت جسمی و روحی افراد اشاره می‌کند که شامل آزار مستمر هر گروه یا هر جمع مشخص به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسی می‌شود و در قسمت دوم به جنایت علیه آزادی‌های فردی اشاره می‌کند که شامل آپارتاید یا تبعیض نژادی می‌شود (دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۲: ۴۳). با توجه به این بند، عنصر مادی آپارتاید علمی جنایت علیه تمامیت جسمی و روحی افراد و جنایت علیه آزادی‌های فردی است. لازم به یادآوری است که رفتار مادی جنایت تبعیض نژادی، باید توسط یک گروه نژادی ارتکاب یافته باشد و در صورتی که به صورت انفرادی صورت گیرد تبعیض نژادی نخواهد بود. علاوه بر این، رفتار مجرمانه در این رکن مادی، اعمال تبعیض بین یک گروه نژادی با گروه یا گروه‌های نژادی دیگر است (خالقی، ۱۴۰۲: ۱۲۹).

برای تربیت نیروی انسانی متخصص لازم است که دانشگاه با حداقل چالش‌ها مواجهه باشد. اما در مقطع تحصیلات تکمیلی مقالات ایرانی به دلایل سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی یا به سختی پذیرش می‌شوند و یا با عدم پذیرش مواجه می‌شوند که هر دو آنها باعث تأخیر زمانی چاپ مقالات لاتین ایرانی در مجلات خارجی می‌شود و موجب طولانی‌تر شدن دوره تحصیلی دانشجویان می‌شود (تابعی و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۴). در پژوهش‌های حوزه علوم پایه نیز علاوه بر نبود برخی تجهیزات تخصصی به دلیل اینکه اغلب مواد آزمایشگاهی مورد استفاده وارداتی هستند و با افزایش قیمت ارز و تحریم‌ها مواجه می‌شوند که مانع خرید آنها می‌شوند و مجبور به تهیه مواد بی‌کیفیت می‌شوند که بر نتایج پژوهش اثر منفی می‌گذارد. این مسائل بر فرایند تحصیل دانشجویان، کیفیت کار، ورود به بازار کار و ... اثر می‌گذارد (همان: ۷۶) و موجب فرسودگی تحصیلی و افزایش سنوات تحصیلی نیروی انسانی می‌شوند (همان: ۸۱) و به طور کلی باعث آسیب جسمی و روحی دانشجویان می‌شود.

تا زمانی که حق آموزش افراد به رسمیت شناخته نشود نمی‌توان درباره آزادی در آموزش به عنوان حقی مستند بر اسناد و قوانین بین‌المللی صحبت کرد. بنابراین باید گفت آزادی در آموزش مستلزم شناخت حق آموزش است (مظهری و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۸) و زمانی که حق آزادی در آموزش دیده نشود در واقع حق آموزش به عنوان اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حق به رسمیت شناخته نشده است. حق آموزش در اسناد مختلفی بیان شده است. اعلامیه حقوق بشر به عنوان مادر همه اسناد حقوقی بشر بر عدم تبعیض در همه حوزه‌ها تأکید ویژه دارد. این اعلامیه در مواد ۱ و ۲ مفاهیم برابری، برادری، کرامت و آزادی را بیان می‌کند. در ماده ۲ مبنی بر عدم تبعیض نژادی، رنگی، جنسیتی، زبانی، مذهبی، ثروت، عقیده سیاسی و ... در دستیابی به تمامی حقوق و کلیه آزادی‌های انسانی تأکید ویژه می‌کند. در ماده ۲۶ به انواع سطوح آموزش و هدف از آموزش و پرورش و در ماده ۲۷ بر آزادی افراد در بهره‌گیری از فنون و هنرها و هم‌چنین مشارکت در پیشرفت علمی تأکید ویژه می‌کند. این در حالی است که آپارتاید علمی رفتاری تبعیض‌آمیز و دوگانه با جامعه علمی یک کشور است که برای آن‌ها با سلب حقوق ذاتی یعنی حق آزادی و حق آموزش همراه می‌شود و حقوق اولیه انسان‌ها را که مبنای سایر حقوق او هستند را سلب می‌کند که می‌تواند آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد و جامعه علمی جهانی را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

در ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر فرد در آموزش و پرورش با هدف رشد کامل شخصیت انسانی، تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و هم‌چنین ایفای نقش سودمند در جامعه و صلح میان ملل به رسمیت شناخته شده است اما در آپارتاید علمی حق آموزش افراد در سطوح عالی سلب می‌شود و افراد از داشتن نقش مفید و سودمند در جامعه خود بالاجبار محروم می‌شوند. زیرا اغلب افراد در سطوح بالای نظام آموزش عالی هر کشور افرادی هستند که بیشترین نقش را در توسعه کشور خود دارند، بنابراین هرگونه مانع و محدودیتی که

مخالف آزادی آن‌ها در این زمینه باشد نقش مؤثر و سودمند آن‌ها را در توسعه پایدار جامعه کم می‌کند. تحریم‌های اقتصادی، مالی و ... علیه هر کشوری که اعمال شوند به صورت عمدی یا ناخواسته بر حوزه علمی آن جامعه نیز اثر خواهد گذاشت و آسیب‌هایی را به آن وارد می‌کند، فلذا اقدامی ناعادلانه است. زیرا افراد با مدارک و تحصیلات بالاتر با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند و تحقیقات و دستاوردهای پژوهشی آن‌ها متوقف و یا دچار رکود می‌شود. به عبارت دیگر به علت تحریم‌ها و مشکلات ناشی از آن دستاوردهای آن‌ها یا چاپ نمی‌شود و یا در زمان طلایی خود چاپ نمی‌شوند. بخشی دیگر از این افراد اقدام به مهاجرت می‌کنند زیرا فرصت خوبی برای یافتن مشاغل مختلف در کشورهای توسعه‌یافته خواهند داشت (۲: ۲۰۱۳، Abdollahi & Saeidnia) و بالاجبار ترک وطن کرده و ظرفیت‌های علمی کشور را خالی می‌کنند و اثرات غیرقابل جبرانی در توسعه پایدار آن کشور ایجاد می‌شود. در همین ماده در آموزش عالی بردسترسی مساوی و رایگان براساس استعداد افراد برای کلیه آن‌ها نیز تأکید ویژه می‌کند اما متأسفانه در آپارتاید علمی افراد و دانشجویان مستعد، حق ادامه تحصیل در برخی رشته‌های علمی در دانشگاه‌های خارج از کشور را ندارند و بالاجبار محروم می‌شوند. علاوه بر این در دنیای امروز که بخشی از آموزش عالی میان دانشجویان، اساتید و محققان در حوزه‌های جدید و نوظهور با شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و یا از طریق انتشار مقالات صورت می‌گیرد محروم می‌شوند. در ماده ۱۵ نیز حقوقی را برای افراد به رسمیت شناخته است که عبارتند از: بهره‌مندی از مزایای پیشرفت‌های علمی و کاربردهای آن و هم‌چنین بهره‌مندی از حمایت از منافع معنوی و مادی از آثار علمی، ادبی یا هنری که مؤلف آن هستند. در ادامه بند سوم آزادی‌های لازم برای پژوهش و تحقیقات علمی و هم‌چنین فعالیت‌های خلاقانه را محترم شمرده و فواید منتج از مشارکت و توسعه همکاری و ارتباطات بین‌المللی در زمینه‌های علمی و فرهنگی را به رسمیت شناخته است. مجموعه‌ای از قوانین حقوقی، دستورات اجرایی برای کلیه محققان آمریکایی وجود دارد که تخلف از آنها مجازات‌های مدنی و

کیفری سختی برای آنان دارد. زیرا از نظر آمریکا انتقال دانش به عنوان یک صادرات در نظر گرفته می‌شود و کد ۳۱ قوانین فدرال با عنوان «پول و امور مالی: خزانه داری» در بخش ۴ از شماره ۵۰۰ تا ۵۹۹ قوانین دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC)^۱ برای همکاری‌های تحقیقاتی، آموزشی، انتقال دانش، سخنرانی، نرم‌افزارها، فناوری خدمات آن، انتشار، قراردادها و سایر فعالیت‌های علمی اعمال می‌شود. بر اساس آن کار با هر شخص، دولت یا نهادی که آمریکا آن را تحریم کرده است ممنوع است مگر اینکه OFAC مجوز آن را صادر نماید. به عنوان مثال همکاری با افراد یا مؤسسات در کشورهای تحریم شده مانند کوبا، ایران، کره شمالی، سوریه و ... به تأییدیه این دفتر نیاز دارد. عدم رعایت این قوانین مجازات‌های جنایی تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ میلیون دلار، ۲۰ سال زندان (به ازای هر تخلف) و یا هر دو آنها و هم‌چنین محدودیت‌های اداری مانند اخراج از شغل، کاهش بودجه تحقیقاتی و امتیازات صادرات (مانند دانش، آموزش و تحقیق) می‌تواند داشته باشد. همکاری با کره شمالی و سوریه به طور کلی ممنوع است اما همکاری با ایران و کوبا به مجوز OFAC نیاز دارد (Miller-Ziad & Miller.C, ۲۰۱۹: ۵).

نیروی انسانی فعال و کارآمد در حوزه علم و فناوری که در راه پیشرفت علمی فعالیت می‌کند باید از حقوق اولیه خود برخوردار باشد. اما به دلیل آپارتاید علمی از حقوق اولیه خود محروم می‌شوند و آزادی‌های آن‌ها برای تحقیقات و فعالیت‌های علمی از سوی برخی دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی سلب می‌شود و قادر به همکاری و ارتباطات بین‌المللی در جهت ارائه دستاوردهای علمی و خلاقانه خود نیستند و نمی‌توانند از دستاوردها و فعالیت‌های سایر همکاران علمی خود در سطح جهان جهت مشارکت و ارتقای فعالیت‌های خود استفاده کنند.

در میان تمام اسناد حقوقی بین‌المللی، «کنوانسیون منع تبعیض در آموزش» تنها سند معتبر و اختصاصی مبتنی بر عدم تبعیض در حوزه آموزش است که می‌توان گفت

1. Office of Foreign Assets Control (OFAC)

ارتباط تنگاتنگی با آپارتاید علمی و آموزشی دارد اگرچه جرم‌انگاری در آن صورت نگرفته است. در این کنوانسیون اصطلاح «آموزش»^۱ به کلیه سطوح آموزش و انواع آن اطلاق می‌شود و شامل دسترسی به آموزش، معیار و کیفیت آن، و شرایطی که تحت آن آموزش ارائه می‌شود می‌باشد. در ماده ۱ این کنوانسیون اصطلاح «تبعیض» تبیین شده است که شامل هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا اولویت بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، خاستگاه اجتماعی یا ملی، وضعیت اقتصادی یا شرایط هنگام تولد است که هدف یا پیامد آن تخریب یا تضعیف برخورد یکسان آموزشی، به ویژه در الف) محروم کردن شخص یا گروهی از اشخاص از هر نوع یا هر سطح آموزشی، ب) محدود کردن شخص یا گروهی از اشخاص به استفاده از کیفیت آموزشی پایین‌تر و ج) تحمیل شرایط (ویژه) به شخص یا گروهی از اشخاص که مغایر با منزلت انسانی است. در ماده ۳ کشورهای عضو این کنوانسیون را جهت حذف و جلوگیری از تبعیض ملزم به این می‌کند که تمهیدات قانونی و لازم و دستورالعمل‌ها و فعالیت‌های اداری که باعث تبعیض در آموزش می‌شود ملغی و متوقف کنند و رفع تبعیضات در پذیرش دانشجویان در موسسات آموزشی را از طریق قانون‌گذاری در صورت لزوم تضمین کنند. هم‌چنین برای اتباع خارجی مقیم در کشور به اندازه اتباع خود دسترسی به آموزش را تأمین کنند. در بند الف ماده ۵ کشورهای عضو موافقت کردند آموزش باید در راستای رشد و توسعه کامل شخصیت انسانی، احترام گذاشتن به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و اساسی باشد تا به تفاهم، بردباری و دوستی میان تمام ملت‌ها، گروه‌های نژادی و یا مذهبی کمک کند و فعالیت‌های سازمان ملل را در جهت تدوام صلح ارتقاء بخشد. بر این اساس انسان‌ها از لحاظ حیثیت و حقوق آزاد و یکسان متولد می‌شوند بنابراین باید بتوانند از تمام حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی بدون هرگونه تبعیض برخوردار شوند. حقوق بشر ذاتی هستند و بدون آنها کرامت انسان حفظ نخواهد شد.

آموزش یکی از حقوق اساسی افراد است که از نظر برخی ابزار تحقق سایر حقوق بشر است و از نظر برخی دیگر از اندیشمندان اصالتاً جزء حقوق بشر محسوب می‌شود و برای برقراری صلح و ایجاد رابطه دوستانه میان گروه‌های نژادی و مذهبی بین همه ملت‌ها آموزش باید در جهت توسعه و تعالی شخصیت بشری و تقویت احترام باشد (بیگی و تیموری، ۱۴۰۱: ۷۱). در گذشته دانشجویان به مباحث نظری بیشتر علاقه‌مند بودند اما امروزه از دروس و مباحث کاربردی استقبال می‌کنند (آراسته، ۱۳۸۲: ۴۱). این نشان می‌دهد که در طول زمان متناسب با اقتضائات زمان و جامعه و هم‌چنین دنیای علم و فناوری نیازهای دانشجویان از جمله نحوه آموزش و یادگیری آنها به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش عالی تغییر می‌کند و لازم است حقوق آنها در همه آنها در سطح ملی و در سطح بین‌المللی رعایت شود. به عنوان مثال امروزه بخشی از جدیدترین مطالب علمی روز دنیا در کنفرانس‌ها و همایش‌ها و درگردهمایی‌های حضوری افراد ارائه می‌شود فلذا این حق کلیه افراد علاقه‌مند به آموزش است که بتوانند به صورت آزادانه از این حق خود برخوردار شوند و محدودیتی برای شرکت در این نوع نشست‌های علمی نداشته باشند اما متأسفانه در آپارتاید علمی برخلاف ماده ۱ این کنوانسیون افراد دچار تبعیض می‌شوند و با محرومیت و یا تحمیل شرایط ویژه که خلاف منزلت و شأن هر انسان است مواجه می‌شوند.

به طور کلی دانشگاه سیستمی باز است که با محیط اطراف خود در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباط دارد. با جهانی‌شدن همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بیشتر افزایش یافته و یکی از اولویت‌های اصلی دانشگاه‌ها در سراسر جهان شده است و در مأموریت و راهبردهای آنها وارد شده است (موسوی امیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۸). در دنیای امروز توسعه کیفی و مأموریت‌های تعریف شده هر نظام آموزش عالی نمی‌تواند بدون تعاملات و همکاری‌های مشارکتی و متقابل با سایر دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی علمی و پژوهشی معتبر منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گیرد (همان: ۱۰۰). در عصر انفجار دانش هر پنج سال، میزان علم و دانش بشر دو برابر

می‌شود (شیری و فدایی، ۱۳۹۰: ۴۵۶) از این رو نه می‌توان با روش‌های سنتی و متداول در بازار جهانی علم و دانش رقابت کرد و نه اینکه اگر کشوری یک دوره ۵ ساله را از دست دهد می‌تواند آن را جبران کند. با اعمال آپارتاید علمی، حذف آزادی و ایجاد محدودیت برای جامعه علمی یک کشور دانشگاه‌ها و نهادهای علمی آن کشور دچار انزوا شده و نمی‌توانند هماهنگ با دانشگاه‌های سایر کشورها حرکت کرده و در همه عملکردهای خود آموزش، پژوهش و خدمات به مشکل برخوردند و آثار آن در طولانی مدت در عدم توسعه آن کشور نمایان می‌شود.

رکن روانی تمام جنایات در ماده ۳۰ اساس نامه دیوان ذکر شده است و بر اساس آن جز در مواردی که به نحو دیگری بیان شده باشد، هیچ شخصی دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌توان او را به علت ارتکاب یکی از جرائم مندرج در اساس نامه دیوان مجازات کرد مگر اینکه عنصر مادی همراه با قصد و علم باشد. بنابراین هر یک از این جنایات متناسب با ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند در عنصر روانی ویژگی‌های متمایزی نیز خواهند داشت. تحقق یک جرم به هر سه عنصر قانونی، مادی و روانی نیاز دارد. به عبارت دیگر با عدم وجود یکی از آن‌ها جرم محقق نمی‌شود (عبدالمالکی و زمانی، ۱۳۹۴: ۸۶). عنصر روانی به دو صورت سوءنیت عام و سوءنیت خاص در نظر گرفته می‌شود که سوءنیت عام همان قصد و تعمد در ارتکاب فعل یا ترک فعل است و در همه جرائم شرط لازم است و سوءنیت خاص قصد نتیجه ارتکاب فعل یا ترک فعل که تنها برای برخی از جرائم ضروری است. بر اساس ماده ۳۸ اساس نامه دیوان بین‌المللی ضرورت عنصر روانی جرائم یک اصل حقوقی است و به واسطه آن است که مجرم گناهکار شناخته می‌شود. سوءنیت عام آگاهی مرتکب در زمان ارتکاب جرم است. سوءنیت خاص اراده فرد نسبت به نتیجه مشخصی است که از ارتکاب جرم دارد. بر همین اساس تحقق همه جرائم عمدی منوط به داشتن سوءنیت عام است و این نوع جرائم، جرائم مادی یا مطلق نامیده می‌شوند زیرا برای آن‌ها تنها داشتن سوءنیت عام کافی است. اما برخی دیگر

مانند قتل عمد علاوه برداشتن سوءنیت عام، سوءنیت خاص برای آن‌ها ضروری است (عبدالمالکی و زمانی، ۱۳۹۴: ۹۰). بنابراین جرم مانند سکه‌ای دو رو است که یک روی آن عنصر مادی است که بیان‌گر جنبه بیرونی رفتار مجرمانه است و روی دیگر عنصر روانی است که بیانگر جنبه درونی رفتار مجرمانه است (قیاسی و محترم قلاتی، ۱۳۹۶: ۱۶۶). اگرچه تعیین عنصر روانی در حقوق بین‌الملل به دلیل کثرت مرتکبان، قربانیان و ترکیب عنصر روانی با انگیزه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی بسیار سخت است اما لزوم همراهی آن مهم است (بیگلری، ۱۳۹۶: ۶). بنابراین عنصر قانونی آپارتاید علمی اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، عنصر مادی آپارتاید علمی جنایت علیه آزادی‌های فردی و مصداق آن آپارتاید است. هم‌چنین جنایت علیه تمامیت جسمی و روحی افراد که مصداق آن آزار مستمر هر گروه و یا هر جمع مشخص به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسیتی می‌تواند به عنوان عنصر مادی آپارتاید علمی تلقی گردد. عنصر روانی آن نیز سوءنیت عام است. بر این اساس می‌توان گفت جنایت آپارتاید علمی و آموزشی می‌تواند از نوع جرائم مادی و یا جرائم مطلق محسوب شود.

برآمد

عرصه علم و دانش همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای توسعه و تعالی جوامع به شمار می‌آید. با افزایش روند جهانی شدن، عرصه علمی نیز به تبع آن فرآیند توسعه را طی نموده است. به طوری که علم و دانش به محض تولید، در بستر جهانی منتشر و مورد استفاده قرار می‌گیرند و همه افراد و جوامع می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. به طور کلی، امروزه جهانی شدن و شبکه‌سازی فعالیت‌های پژوهشی و علمی مورد اهمیت و توجه ویژه قرار گرفته است و برخورداری از علم و دانش برای دولت‌ها، جوامع، افراد حقیقی و حقوقی و نیز برای سازمان‌های مختلف داخلی و بین‌المللی به عنوان یک حق طبیعی قلمداد می‌شود که ممانعت از استمرار این جریان نارضایتی، بی‌عدالتی، تبعیض و تفرقه را به دنبال خواهد داشت که از منظر حقوقی در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مذموم شمرده می‌شود و یک نظام آپارتایدی را شکل می‌دهد. به رغم تلاش‌های سازمان‌های بین‌المللی و تدوین اسناد بین‌المللی در زمینه آموزش و حقوق اساسی انسان‌ها و جوامع، آپارتاید علمی و آموزشی برای برخی کشورها اعمال می‌شود و آثار و پیامدهای آن در طولانی مدت به مراتب از سایر تحریم‌ها اثرگذارتر خواهد بود. شاید بتوان گفت یکی از بهترین زمان‌ها در طول چند دهه اخیر برای نشان دادن آپارتاید علمی و آسیب‌های ناشی از آن دوران پاندمی کرونا بود که تمام کشورهای جهان را درگیر کرده بود و جامعه تحقیقاتی پزشکی را بسیار فعال کرده بود و از آنجایی که موضوعی جهانی بود بیش از هر زمان دیگر نیاز به همکاری‌های بین‌المللی وجود داشت اما متأسفانه کشورهایی مانند ایران که از قبل دچار انواع تحریم بودند در این زمان هم دچار آپارتاید علمی شدند. اگرچه همکاری‌های بین‌المللی در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر می‌تواند دستاوردهای علمی را افزایش دهد اما در همه‌گیری کرونا فعالیت‌های محققان ایرانی به دلیل تحریم‌ها افزایش نیافت.

در این پژوهش بررسی شد که آیا فعل مورد بررسی، انطباقی با جنایات در صلاحیت

دیوان کیفری بین‌المللی دارد یا خیر، که پاسخ مثبت آن دال بر امکان پیگیری آن به عنوان جنایت در دیوان دارد. اما آپارتاید علمی به عنوان جرمی مستقل جرم‌انگاری نشده و با توجه به اصول کلی جرم‌انگاری، وضع مجازات برای آن تحت عنوان مستقل قابل توجیه است. انطباق آپارتاید علمی با جنایات در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، صرفاً حد اعلی درجه‌ی آن را در بر می‌گیرد و نمی‌توان همه‌ی مصادیق را بر آن مبنا جرم دانست. لذا به قانون مستقلی نیاز است که درجات مختلف اعمال آپارتاید در حوزه علم و دانش را نیز دربر گرفته و متناسب با درجه خفیف یا شدید بودن آن، برای مرتکب مجازات وضع کند. در بررسی مصادیق، موردی که در حال حاضر روی داده و چنین قابلیت داشته باشد یافت نشد. لذا به حالتی که برای انطباق متصور است، پرداخته می‌شود. به عنوان مثال، تحریم و تبعیض در ارائه‌ی علوم خاص در حوزه پزشکی، در شرایط بیماری‌های همه‌گیر، همان‌گونه که در آخرین پاندمی (Pandémie) عصر حاضر جهان شاهد آن بود، می‌تواند چند هزار کشته در روز را رقم بزند به عنوان مصداقی از جنایات در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قابل تعقیب و رسیدگی است.

آپارتاید علمی گاهی از سوی کشوری علیه کشور دیگری یا از سوی نهادی علیه یک کشور اعمال می‌شود، گاهی هم در درون یک کشور از سوی نهادهای داخلی آن کشور علیه اتباع همان کشور اعمال می‌شود. اگرچه عمده موارد اعمال آپارتاید ناشی از مخاصمات بین‌المللی و از بیرون علیه کشورها می‌شود، انجام آن در درون کشور نیز محتمل است. اما اغلب مواردی که در درون کشورها شاهد محدودیت در ارائه علم هستیم، سوءنیتی در آن وجود ندارد و این محدودیت به قصد تأمین مصالح جامعه است. چنان‌چه گاه برای پیشگیری از سوءاستفاده دول متخاصم و دسترسی آن‌ها به برخی اطلاعات اختصاصی در مورد موضوعات استراتژیک کشور، یک دولت ناگزیر به ایجاد محدودیت دسترسی به داده‌هایی در حوزه اجتماعی و سیاسی و نظامی می‌شود که این محدودیت مانع دسترسی محققان آن کشور هم می‌شود.

هر کشور و نهادی که مانع دسترسی دیگران به آپارتاید علمی شود بزه‌کار این جرم و هر کشوری که حق دسترسی او سلب شده بزه‌دیده این جرم است. اما گاهی یک کشور یا نهاد، هم بزه‌کار این جرم است و هم بزه‌دیده آن. بدین معنا که از یک طرف از دسترسی او به یافته‌های علمی منع شده و از طرف دیگر او نیز محدودیت‌هایی برای دسترسی دیگران به علمی که در اختیار اوست ایجاد کرده است. در اقدام متقابل نیز این شکل از ایجاد محدودیت قابل مشاهده است. لذا به این موضوع می‌بایست با دقت بیشتر توجه کرد، چرا که گاهی اقدام به آپارتاید از سر بزه‌دیدگی و نوعی واکنش دفاعی است. در این جا جا دارد مقنن بر فرض جرم‌انگاری آپارتاید علمی، معاذیری را نیز در نظر گرفته که آن‌ها، علل موجهه‌ی آپارتاید علمی تلقی شود. به بیان رساتر، این حق برای بزه‌دیده آپارتاید علمی به رسمیت شناخته شود که متقابلاً و برای حفظ امنیت خود و به عنوان اقدامی دفاعی، دست به اقدام مشابه اقدام‌کننده آپارتاید علمی علیه خود بزند. لازم به ذکر است با توجه به اینکه اعمال آپارتاید علمی علیه کشور متبوع، از قدرت دولت آن کشور در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه امنیتی و نظامی می‌کاهد، لذا ذی‌نفع محسوب شده و اگر رفتاری در راستای تبعیض در ارائه علم و فناوری علیه آن‌ها صورت گیرد، بزه‌دیده‌ی آن به حساب می‌آیند و می‌توانند در راستای احقاق حقوق خود پیگیری‌های لازم را انجام دهند.

منابع

الف) منابع فارسی

- احمدزاده حلوانی، فاطمه (۱۴۰۰). «رابطه هویت علمی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان با میزان استفاده آنان از شبکه‌های مجازی». *پژوهشنامه اورمزد*، شماره ۵۷، زمستان، ۴-۱۳.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۷). بحران هویت و هویت دینی. *پیک نور*، شماره ۴، ۲۱۹-۲۳۱.
- اکبری، علیرضا؛ پورقهرمانی، بابک؛ بیگی، جمال (۱۴۰۱). «آپارتاید علمی به مثابه نقض حقوق بشر اسلامی علیه جمهوری اسلامی ایران و اقدامات و راهبردهای حقوقی مقابله با آن». *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، شماره ۴، زمستان، ۱۲۵-۱۴۹.
- اکبری، علیرضا؛ پورقهرمانی، بابک؛ بیگی، جمال (۱۴۰۲). «رویکرد جاری حقوق بین‌الملل در قبال تبعیض و آپارتاید علمی و چالش‌های موجود». *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*. شماره ۳، زمستان، ۱۵۱-۱۶۸.
- الماسی، کبری؛ جمالی مهموئی، حمیدرضا؛ یوسفی، احمد (۱۳۹۵). «تحلیل دیدگاه‌های پژوهشگران مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی در خصوص اثر تحریم‌های خارجی بر ارتباطات علمی و فعالیت‌های پژوهشی». *پژوهش‌نامه علم‌سنجی*. شماره ۱، بهار و تابستان، ۲۷-۴۲.
- امانی بابادی، امین (۱۳۹۹). «بررسی جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، شماره ۴، زمستان، ۳۲۶۹-۳۲۸۱.
- اهدایی، سعید؛ مصطفوی‌نژاد، سارا (۱۳۹۵). «مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی». اولین کنفرانس ملی مدیریت و اقتصاد جهانی. <https://ir.sid.www/fa/873782/per>
- آشنایی بادیوان بین‌المللی کیفری (۱۳۸۲). *دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران*، شماره مسلسل ۶۸۴۶. بهمن، ۱-۱۱۰.
- بیگلری، بویان (۱۳۹۶). «بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، شماره ۱، بهار، ۱-۳۰.
- بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۴۰۱). «بهره‌مندی محکومان از حق آموزش؛ راهبرد

- پیش‌گیری از تکرار جرم». *تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی (دانشنامه‌های حقوقی سابق)*، شماره ۱۶، پاییز، ۶۶-۹۰.
- پیری، خسرو؛ صنیع اجلال، مریم؛ رضانی، مهدی (۱۴۰۱). «راهبردهای ارتقا و توسعه همکاری‌های علمی بین‌المللی بر اساس نقش و جایگاه مراجع ملی وزارت عتف». *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره ۲، تابستان، ۴۹۷-۵۲۸.
- تابعی، ملیحه، سلیمان‌پور، رحمان، غفاری، غلامرضا، و نایبی، هوشنگ. (۱۴۰۲). تحلیلی از علل افزایش سنوات تحصیل دانشجویان در ایران (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد). *آموزش عالی ایران*. شماره ۲، تابستان، ۶۶-۸۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ زرقانی، سیدهدادی؛ احمدی‌پور، زهرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۵). «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. شماره ۲، تابستان، ۴۶-۷۳.
- حیدری‌عبدی، احمد (۱۳۹۵). *نقش روابط و همکاری‌های علمی بین‌المللی در توسعه علمی ایران*. کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز. <https://com.civilica.com/doc/524477>
- خالقی، ابوالفتح. (۱۴۰۲). «حقوق بین‌المللی کیفری اختصاصی». تهران: انتشارات مجد.
- شیربگی، ناصر؛ غلامی، پریسا (۱۳۹۷). «تحلیل کیفی تجارب فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیأت علمی». *سیاست علم و فناوری*، شماره ۳، پاییز، ۷۳-۸۶.
- شیری، روح‌الله؛ فدائی، غلامرضا (۱۳۹۰). «میزان همکاری‌های علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی تپ یک در سطح ملی و بین‌المللی بر اساس مدارک نمایه شده در پایگاه ISI بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸». *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*. شماره ۳، پاییز، ۴۵۵-۴۷۵.
- شیخ‌الإسلامی، محمدحسن؛ شیرواند، صارم (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی‌گفتمان آپارتاید در آفریقای جنوبی سابق با اسرائیل». *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۱۶، پاییز، ۴۹-۸۱.
- صادقی‌نژاد، مهسا؛ نوغانی دخت‌بهمنی، محسن؛ اصغریور ماسوله، احمدرضا (۱۴۰۲). «مجاورت و همکاری علمی کاربرد مدل جاذبه در شناسایی تأثیر ابعاد مجاورت

- بر همکاری علمی بین‌المللی». *پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات*. شماره ۴، تابستان، ۱۴۹۳-۱۵۲۴.
- صالحی، محمدخلیل؛ لسمانی فرهمند، محمد (۱۴۰۰). «تحلیل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین‌الملل». *تمدن حقوقی*، شماره ۹، پاییز و زمستان، ۴۰۷-۴۳۲.
- عبدالمالکی، مهدی؛ زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۴). «عنصر معنوی جنایت شکنجه با نگاهی به اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی». *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، شماره ۶، پاییز، ۸۵-۱۱۵.
- قیاسی، جلال‌الدین؛ محترم قلاتی، ایمان (۱۳۹۶). «تحلیل عنصر محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی». *پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۲۱، زمستان، ۱۵۵-۱۹۶.
- مدهوشی، مهرداد؛ نیازی، عیسی (۱۳۸۹). «بررسی و تبیین جایگاه آموزش عالی ایران در جهان». *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*. شماره ۴، بهار، ۱۱۳-۱۴۹.
- مظهری، محمد؛ موسوی، سیدعلی؛ روائی، رحیم (۱۴۰۲). «بررسی حق تحصیل از لحاظ عوامل وابسته به آن در نظام حقوقی ایران». *نشریه ایرانی مطالعات شهروندی*، شماره ۱، پاییز، ۸۳-۱۰۶.
- موسوی امیری، سیده طیبه. نوه ابراهیم، عبدالرحیم، آراسته، حمیدرضا، و عبدالهی، بیژن (۱۳۹۹). «الگوی راهبردهای سه‌گانه بین‌المللی شدن دانشگاه‌های منتخب دولتی ایران». *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. شماره ۵۰، پاییز، ۹۷-۱۲۶.
- موسوی زارع، سید جواد؛ زرقانی، سیده‌هادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۹۵). «بررسی متغیرهای مؤثر بر قدرت علمی و فناوری و ارائه مدل ارزیابی قدرت علمی و فناوری کشورها». *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*. شماره ۳، پاییز، ۲۹-۶۵.
- میراحمدی، خالد؛ خراسانی، اباصلت؛ نظریور، محمدتقی؛ شمس مورکانی، غلامرضا (۱۴۰۱). «آسیب‌شناسی نظام تأمین منابع انسانی در آموزش عالی: تدوین و اعتبارسنجی یک الگو». *آموزش عالی ایران*. شماره ۴، زمستان، ۳۹-۶۴.
- نظرزاده زارع، محسن (۱۳۹۷). شناسایی موانع تعاملات بین‌المللی اعضای هیأت علمی:

رویکردی کیفی. *علوم تربیتی*، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۷۹-۱۹۶.

ب) منابع انگلیسی

- Adam ,D ,(2019) .Science Under Maximum Pressure in Iran ,The Scientist, <https://www.the-scientist.com/news-opinion/science-under-maximum-pressure-in-iran.66425->
- Apartheid.<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/apartheid>.
- Baghianimoghadam ,B .(2014) .Scientific Sanctions :a Catastrophe for the Civilized World .*Indian J Med Ethics*, 11(2): 130.
- Cheraghali, A. M. (2012). Scientific Apartheid, *Hepatitis Monthly*, 12 (3): 158-159.
- Habibzadeh ,Farrokh .(2013) .Is there an apartheid in science publication.? *The Lancet*, 382 (9889), 310.
- J.Gates, A., Mane, I., and Gao, J. (2024). The increasing fragmentation of global science limits the diffusion of ideas. <https://arxiv.org/abs/2404.05861>.
- Miller AC, Ziad-Miller A. United States federal government regulation of international research collaborations: What every physician-scientist should know. (2019). *Int J Crit Illn Inj Sci*. 9(1): 5-10.
- Saeidnia, S., & Abdollahi, M. (2013). Consequences of International Sanctions on Iranian Scientists and the Basis of Science .*Hepatitis Monthly*, 13 (9): e14843.
- Zarghami, M .(2013) .Illogical and unethical scientific sanctions against Iranian authors .*Iranian journal of psychiatry and behavioral sciences*,.1-4 :(2)7
- Foreign Universities Sanctioned by the U.S .Government .(2024).<https://researchcompliance.caltech.edu/export/restricted-party-screening/foreign-universities-sanctioned-by-the-us-government>.
- US adds two Iranian universities to sanctions list .(2019) .<https://www.universityworldnews.com/post.php?story.20190222093534908=>